



تحلیلی بر کاربست اخلاقی وقف (با تکیه بر اندیشه اخلاقی علامه جلال الدین دوانی)



زهرا آبیاری*
شهلا آبیاری**

چکیده

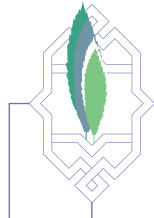
وقف به مثابه یک نهاد و همچنین کنشی نظام‌مند، از گذشته تاکنون ضمن ایفای کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، توانسته است مورد توجه پژوهشگران باشد. یکی از عرصه‌های مغفول وقف، توجه به کاربست اخلاقی آن است که کمتر مورد اهتمام بوده است. به تعبیری وقف عملکردی است که نه فقط به وسیله منافع اقتصادی، بلکه با اخلاق و نفس انسانی هدایت می‌شود و به همین دلیل معطوف به کنشگران بوده و به مثابه فعل اخلاقی قابل بررسی است. همچنین اخلاق نقش مهمی در رسیدن انسان به سعادت دارد که در متون دینی اسلام به ویژه قرآن بر تهذیب نفس تأکید بسیار شده است. علامه جلال الدین دوانی از جمله صاحب‌نظران در علم اخلاق است که مبانی اخلاقی خود را مشتمل بر علم و آگاهی، عقل، ایمان، عبادت، علم و عمل، ایمان به خداوند، تعلیم و تربیت، اراده و شرع می‌داند. نظر به اهمیت این مسئله در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی کاربست اخلاقی وقف با نظر به آرای علامه جلال الدین دوانی تبیین شد و چنین به دست آمد که صدقات و انفاق در معنای اعم و وقف به معنای اخص، مصداقی از فعل اخلاقی است که در بستری از علم و آگاهی، زمینه‌ساز ایصال انسان

*. دکتری دین پژوهی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

Abyar.z114@gmail.com

** دکتری تخصصی کلام، استادیار آموزش و پرورش، اصفهان. ایران.

Shabyar96@gmail.com



به کمال نهایی است که در اندیشه علامه این کمال همان رسیدن به مقام الهی و قرب حق است. هر چند ایشان این مرتبه را ویژه انسان کامل می‌دانند؛ ولی انسان با وقف کردن، گسستن از امور مادی را با تکیه بر عزم اراده خود تجربه می‌کند که ضمن در پی داشتن آرامش درونی، موجبات تقرب و تجلی محبت الهی و در یک پیوستار وسیع‌تر، موجب تألیف نفوس انسان‌های دیگر را فراهم می‌کند. بدین معنی که بذل و بخشش انسان ضمن تهذیب نفس و تصعید درونی، می‌توان قوام و انسجام جامعه را در پی داشته باشد. این کار بست از نظر علامه دوانی اینگونه قابل تبیین است که ایشان معتقدند بستر جامعه محل ظهور کمال و فضایل اخلاقی است و افراد مدینه همه تلاششان فراهم آوردن زمینه خیرات و دفع شرور است. فرد واقف نیز با فعل اخلاقی خود، در بستر اجتماع سوق دهنده نفوس به سمت فضایل اخلاقی است.

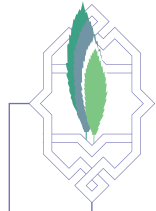
واژگان کلیدی: کار بست اخلاقی، وقف، علامه جلال الدین دوانی.

طرح مسئله

وقف به مثابه نهادی حقوقی، اقتصادی و گاه در سطحی دیگر اخلاقی-اجتماعی از دیرباز تاکنون با کارکردهای خود توانسته نقش بی‌بدیلی در میان اعمال حسنه ایفا کند. همچنین وقف آشکارترین وجه دینداری و به تعبیری بیرونی‌ترین لایه ناظر به رفتار افراد است که در علم اخلاق متصف به صفات اخلاقی می‌شود. از همین رو وقف از زوایای مختلف مورد اهتمام و بررسی اندیشمندان بوده است. اهمیت توجه به وقف، با نظر به اینکه جامع‌ترین برنامه سازندگی و دستیابی به فضائل و ارزش‌های وجودی، استقرار سنت‌های حسنه در جامعه است، نمود بیشتری می‌یابد. وقف و صدقات (مأئده/۴۸) از جمله این سنت‌هاست. یکی از هدف‌های وقف، تعالی بخشیدن به انسان و رساندن او به جایگاهی است که از سلطه مادی‌گرایی و دنیا پرستی‌هایی یافته و به تعبیر قرآن تزکیه گردد.

وقف در صورتی که با انگیزه الهی صورت گیرد کاربردهای متعددی را در پی دارد که در عرصه اخلاق فردی و اجتماعی می‌توان این تأثیرات را مورد توجه قرار داد. وقتی انسان از آنچه که فکر می‌کند مال اوست و به آن نیاز دارد، به دیگری که نیازمند آن است بذل نماید، گذشتن از خود و رها شدنی را تجربه خواهد کرد که در اخلاق به دنبال آن هستیم. این حالت آدمی را از امور مادی به معنویت کشانده سبب می‌گردد، روح و روان او تطهیر و آرامش می‌یابد. قرآن کریم نیز به ویژگی انفاق کنندگان چنین اشاره دارد که آنان از اموالی که دوست دارند، انفاق می‌کنند (آل عمران/۹۲). همانطور که در علم اخلاق آمده است، پرورش این امر در انسان، سرچشمه فضایل اخلاقی دیگری است. علم اخلاق شاخه‌ای از حکمت عملی است به تعبیری حکمت عملی «علم به احوال نفس ناطقه انسانی از این رو که افعال محمود و مذمومه به اراده از او صادر تواند شد تا به سبب آن علم از رذایل متجلی و به فضایل متحلی شود و به کمالی که متوجه آن است برسد» (دوانی، ۱۳۹۱، ص ۵۶-۵۵) انسان با وجود حکمت عملی می‌تواند به افعال پسندیده خود را آراسته و از افعال و اعمال نکوهیده خود را برهاند.

علاوه بر این اخلاق و فضایل اخلاقی امری اکتسابی است و جز افرادی که خداوند آن را به عنوان مؤیدان بین عن‌الله قرار داده و آن‌ها دارای فضایل و کمال فطری‌اند و از تعلیم و کسب فضایل بی‌نیازند هیچ کس به طور فطری دارای فضایل نیست «هیچ کس بر



فضیلت مفسور نباشد و در تحصیل آن را کسب مستغنی نه» (همان: ۱۳۱) مبنای اخلاق و فضایل کسب و تحصیل است، همه افراد جامعه به تحصیل آن نیازمند هستند افراد به صورت فطری دارای فضایل نیستند هر فرد باید تحت آموزش قرار بگیرد و با تلاش و کوشش آن را کسب کند، آن فضیلت به مرور زمان و بر اثر تمرین و ممارست به صورت ملکه در آمده و انجام کار به سهولت و بدون نیاز به تأمل و دقت از فرد صادر می‌شود. فردی که در پی فضایل اخلاقی است باید سعی و تلاش برای کسب و تحصیل فضایل داشته، گاه به رنج و سختی هم می‌افتد تا زمانی که فضایل به صورت ملکه شوند به گونه‌ای که آن افعال را به آسانی و بدون تأمل انجام می‌دهد.

حال با نظر به اینکه دست یابی به فضای اخلاقی در پرتو کسب حاصل می‌شود و وقف یکی از راه‌هایی است که می‌تواند انسان را به این امر رهنمون کند، در این پژوهش تلاش بر این است تا کاربرست اخلاقی وقف را با نظر به دیدگاه اخلاقی علامه دوانی مورد تبیین قرار گیرد. وقف و اهمیت آن در اندیشه اسلامی، مورد پژوهش بوده و مقالات متعددی این امر را بررسی کرده‌اند، ولی در زمینه اخلاقی پژوه چندان به دست نیامد. بابایی (۱۳۸۹) در مقاله «وقف از نگاه اخلاق و عرفان» به این نکته توجه کرده است که وقف در کنار فواید اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی برای همه طبقات جامعه آثار فراوانی بر میزان معنویت و زیست اخلاقی جامعه دارد. این تأثیر مستقیم و از لحظه نیت واقف شروع می‌شود و تا ظهور تأثیرات عینی وقف ادامه دارد. ایرانمنش و هزار جریبی (۱۳۹۵) در مقاله «رابطه وقف و اخلاق در اقتصاد از دیدگاه شهید مطهری و شهید صدر» با مطالعه در آیات، روایات و سیره پیامبر ﷺ و معصومین (علیهم السلام) اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف را مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان به صورت محدود و اجمالی به ارتباط میان وقف و اخلاق و اقتصاد از نظر شهید صدر و مطهری پرداخته و بیان کرده‌اند که از نظر این دو اندیشمند، وقف یکی از عوامل تکامل اجتماعی است؛ زیرا به عنوان یک ارزش پایدار، سال‌ها پس از مرگ واقف، به جای می‌ماند و به عنوان نماد فداکاری و ارزش اخلاقی در جامعه حضور دارد و آثار و برکات اقتصادی برای جامعه دربردارد. در برخی پایان‌نامه‌ها هم به صورت جزئی به وقف و برکات فردی آن اشاره شده است از جمله آسیابانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به آثار فردی و اجتماعی وقف پرداخته است ایشان به صورت واضح به تفکیک آثار اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی نپرداخته است، اما گذری بر آثار اخلاقی هم در آن مشاهده می‌شود.



وجه تمایز این پژوهش با آنچه که اشاره شد، این است که با نظر به نظام اخلاق دینی علامه دوانی کاربست‌های اخلاقی وقف را با روش توصیفی-تحلیلی مورد واکاوی قرار می‌دهد. همچنین اخلاق از دیر باز اصلی‌ترین دغدغه‌های فیلسوفان و عالمان دینی بوده، این علم از شریف‌ترین علوم است چون موضوع آن نفس ناطقه انسانی است از جهت صدور ارادی افعال نیک و بد و هدف و غایت آن رساندن انسان به مرتبه اشرف مخلوقات بودن است. در سده‌های نهم و دهم، یکی از شخصیت‌های مذهبی و علمی - اخلاقی به نام جلال‌الدین محمد دوانی در دربار سلسله‌های قراقویونلو و آق قویونلو حضور داشت. ایشان در راه توسعه و تعمیم فرهنگ اسلامی و علوم عقلی گام‌های مؤثری برداشته است، دوانی در آثار خود مخصوصاً اخلاق جلالی، گاه با مبانی عقلی و گاه با مبانی دینی در مورد اخلاق و مبادی آن اظهار نظر کرده است. کمتر پژوهشی در این زمینه دیدگاه اخلاقی ایشان را انعکاس داده است. از این رو در این پژوهش تلاش بر ارائه تحلیلی بر کاربست اخلاقی وقف با تکیه بر دیدگاه اخلاقی علامه دوانی است.

بنیادهای نظام اخلاقی علامه جلال الدین دوانی^۱

در نظام اخلاقی دوانی، اخلاق و تهذیب نفس مقدم بر همه علوم است، وی حکمت عملی را علم به احوال نفس ناطقه می‌داند که بر اساس آن افعال پسندیده و ناپسند با اراده و اختیار فرد از او صادر می‌شود. به عبارتی اخلاق علمی است که به واسطه آن فرد «از رذایل متخلی و به فضایل متحلی شود به کمالی که متوجه آن است برسد» (دوانی، ۱۳۹۱: ۵۶) اموری از قبیل فضیلت، رذیلت، کمال، عدالت، سیاست، حکمت، جامعه، در اندیشه دوانی دارای جایگاه ویژه‌ای است، و بنیادهای نظام اخلاقی دوانی را تشکیل می‌دهد که به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. فضیلت و رذیلت و مراحل تهذیب نفس: در نظام اخلاقی دوانی فضیلت و رذیلت از مباحث مهم اخلاقی اوست، دوانی فضیلت را به آن می‌داند که «تمام قوا مطیع و منقاد عقل باشند به گونه‌ای که هیچ یک از قوا چیزی بیشتر از آنچه عقل بر آن‌ها تعیین

۱. جلال‌الدین محمد بن اسعد دوانی به سال ۸۳۰ هجری قمری در دوان واقع در دو فرسخی کازرون دیده به جهان گشود، او در یک خانواده مشهور سنی نشو و نما یافت، نسبت وی به محمدبن ابی‌بکر می‌رسد به همین جهت در زمان خود و میان اهل سنت با احترام می‌زیست و مشهور به صدیقی بود. (دوانی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۰۹-۴۰۸) به منظور تکمیل معلومات خودش به شیراز رفت، از محضر استادان بزرگ بهره گرفت، برخی از اساتید او شیخ ابوالمجد عبدالله بن میمون کرمانی- فاضل مظهرالدین محمد کازرونی - شیخ رکن‌الدین روزبهان ... بیش از ۶۰ جلد کتاب در علوم مختلف تألیف کرده، برخی از تألیفات او شامل لوامع الاشراف فی مکارم اخلاق- افعال العباد- الانوار المشافیه- بستان القلوب- شرح هیاکل النور- رساله الزوار... او در سال ۹۰۸ هجری قمری وفات یافت.



کرده طلب نکند» (دوانی، ۱۳۹۱: ۹۷-۱۰۰) اجناس فضایل را حکمت، عفت، شجاعت و عدالت می‌داند، فضیلت کمال را در اطاعت از عقل و شرع هر دو می‌داند، «هیچ فضیلتی به اتفاق اهل عقل و نقل بی‌علم تمام نیست» (همان: ۱۴۴) خداوند ما را به فراگیری علم دعوت می‌کند و احادیث زیادی از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره فضیلت علم بیان شده و فضایل انسان بدون داشتن و به کار بردن علم کامل و تمام نیست. اما عقل جهت گیری‌های کلی زندگی انسان را بیان می‌کند و حدود و اعمالی که قوا را به اعتدال می‌کشاند را شرع برای ما بیان می‌دارد، دوانی در اخلاق جلالی می‌نویسد: «تفصیل وظایف اعمال هر قوتی از قوا در شریعت محمدی به ابلغ وجهی مشروح شده و همچنین حقوق الناس نیز در معاملات و مناکحات و جنایات مبین و مفصل گشته» (همان: ۱۲۴) در مورد رذیلت‌های اخلاقی دوانی ملاک رذیلت بودن یک چیز خارج شدن از اعتدال می‌داند. او تعداد فضایل را چهار مورد می‌داند اما در مورد رذایل معتقد است که به ازای هر فضیلتی دو نوع رذیلت است. چون رذیلت انسان حاصل از افراط و تفریط است، پس یک فضیلت دو طرف افراط و تفریط دارد که هشت رذیلت را شامل می‌شود، فضایل به منزله حد وسط‌اند و رذایل به منزله اطراف، راه کمال فقط یک راه است؛ اما انحراف از آن راه‌های غیرمتناهی دارد. به عقیده او کسی که به دنبال تهذیب نفس است باید همیشه بر قوای خود توجه و مراقبت داشته باشد تا اگر آن‌ها بر اعتدال هستند بر حفظ آن‌ها تلاش کند و اگر از اعتدال منحرفند به تهذیب آن‌ها بپردازد و آن‌ها را در مسیر اعتدال قرار دهد.

۲. توجه به معاشرین: به عقیده دوانی تنها راه حل اعتدال در آنچه که با عمل به دست می‌آید فقط داشتن علم و معرفت نیست، بلکه توجه به محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند و کارها و اعمالی که در آن رخ می‌دهد. در مورد حفظ نفس بیان می‌دارد انسان علاوه بر اینکه باید فضایل لازم را بشناسد لازم است که با افراد خیرخواه و نیکوکار و اهل فضل و تقوا هم معاشرت داشته باشد و در فضایل با آن‌ها مشارکت داشته باشد از همنشینی و معاشرت با افراد شرور و کسانی که دارای رذایل اخلاقی‌اند، دوری کند تا نفس او به این رذایل عادت نکند و با آن‌ها انس نگیرد: «چون نفس را فضیلتی باشد واجب بود محافظت آن کردن و آن ملکه فاضله را به عمل در آوردن و معاشرت و مخالفت با اخیار و احتراز از محبت اشرار» (دوانی، ۱۳۹۱: ۱۳۲) دوانی راه معالجه امراض نفس را شناخت اجناس امراض و اسباب و علل ایجاد آن می‌داند.



۳. تکرار افعال خیر به مثابه علاج امراض نفسانی: دوانی علاج امراض نفسانی و ردایل را به این می‌داند که انسان به کارهای خوب و نیکو اقدام و نفس خود را ملامت و سرزنش کند و به بدن خود در انجام برخی امور سختی و مشقت دهد برای پاک شدن از ردایل، همچنین تکرار افعال جمیل و توبیخ نفس و تکالیف اعمال شاقه و آموختن شرایع دینی و آداب و سنن و اشتیاق به انجام امور خیر و مذمت اشرار و تشویق به کارهای خوب و نهی از کارهای بد می‌داند و اینکه انسان با بهره‌گیری از عقل و قوه تمییز خود و شرع می‌تواند به تهذیب نفس خود و حفظ سلامت نفسانی خود بپردازد و اینکه عقل جهت‌گیری کلی زندگی را برای ما بیان می‌کند و جزئیات آن را شرع از طریق انبیاء در اختیار ما قرار دهد.

۴. رسیدن به مقام الهی در پرتو کمال: از مباحث مهم دیگر در نظام اخلاقی او کمال است که از جایگاه بالایی برخوردار است. دوانی کمال حقیقی انسان را رسیدن به مقام الهی می‌داند و انسان کامل انسانی است که سه مرحله معرفت یعنی شریعت، طریقت و حقیقت را گذرانده است. در مرحله اول معرفت، کتاب و سنت را قبول کرد. در مرحله دوم به کتاب و سنت عمل نموده و در مرحله سوم به یقین رسیده و با چشم دل واقعیت را مشاهده می‌کند (دوانی، ۱۳۶۸: ۱۳۵). انسان باید مراتب معرفت، عمل، یقین را طی کند تا شایستگی رسیدن به مقام خلیفه الهی را داشته باشد. انسان کامل در نگاه دوانی به حدی از شان و منزلت می‌رسد که تمام جهان طفیل وجود او گشته و درک مراتب هستی منوط به درک مراتب علم و معرفت این انسان می‌شود. تحقق خلافت بستگی به علم و عمل دارد و با این کار اعتدال لازم برای نفس حاصل می‌شود و نفس انسان آراسته به کمالات علمی و عملی و مظهر اسماء الهی می‌گردد. انسان به عنوان خلیفه خدا در زمین از ذات دوگانه روحانی و جسمانی برخوردار است و بیش از هر مخلوق دیگری مظهر خداوند است، دوانی خلیفه خدا و نایب پیامبر در زمین را حاکم یا پادشاه می‌داند که مهمترین وظیفه آن را حفظ دستورات دین و شریعت الهی و اجرای عدالت در جامعه بر طبق اصول حاکم بر جامعه و مقتضیات زمانه خود می‌داند و حتی معتقد است این حاکم از تائیدات الهی برخوردار است که می‌تواند به این مقام خلیفه الهی برسد او غایت انسان را مقام خلیفه الهی و ظل الهی می‌داند.

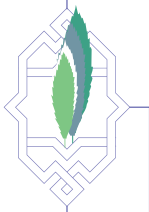
۵. حکمت: از مباحث مهم اخلاقی در دیدگاه دوانی حکمت است، حکمت از هست‌ها و نیست‌ها و بایدها و نبایدها بحث می‌کند آنجا که رفتار و کردار آزادانه و مختارانه



انسان با علم و آگاهی او عجین شده و می‌تواند موجبات خیر و سعادت دنیوی و اخروی او را فراهم سازد. دوانی حکمت را علم به احوال موجودات بر وجهی که فی الواقع چنان باشد، به قدر طاقت بشری می‌داند (دوانی، ۱۳۹۱: ۸۱) حکمت را شامل حکمت نظری و عملی می‌داند و عقل را به دو شعبه نظری و عملی تقسیم می‌کند و از تهذیب عقل نظری حکمت، از تهذیب عقل عملی، عدالت ایجاد می‌شود این دو قوه شعبه‌ای از ادراک انسانی‌اند (همان: ۷۶-۷۵) دوانی حکمت را بالاترین درجه کمالات انسان می‌داند که معرفت به آن فقط برای فرد حکیم حاصل می‌شود، حکمت کمال قوه نظری و عملی است چون که عفت، شجاعت، که دیگر اجناس فضایل انسانی هستند فقط برای فرد حکیم حاصل می‌شود «عفت، شجاعت به کمال حاصل نشود الا حکیم را» (همان: ۹۹). عدالت ممکن است از افراد غیر حکیم هم صادر شود ممکن است آنها هدفشان ریا- جلب دلهای مردم - یا کسب مال و ثروت باشد، ولی عفت و شجاعت فقط از افرادی که دارای فضیلت حکمت باشند صادر می‌شود هر چند عدالت عامتر است و افراد بیشتری را شامل می‌شود ولی حکمت عالی‌ترین و خاص‌ترین درجه کمال انسانی است.

کاربست‌های اخلاقی وقف

وقف رفتاری نشأت یافته از رفتار تکوینی است که در تشریح دارای ساختاری نظام‌مند برای تکامل حیات مادی و معنوی جامعه لحاظ می‌شود. باید توجه داشت که در همه ادیان الهی محور همه تعالیم، سعادت‌مندی انسان و ایجاد زمینه‌های رشد و ترقی معنوی انسان به هدف سطی مدارج کمال است. از همین روست که جامعیت دین تأمین سعادت دنوی و اخروی بوده و در تأمین حیات معنوی و نجات اخروی انسان‌ها سهم به سزایی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۷). مفاهمی چون ایثار، احسان و نوع دوستی، تصعید خود و... که جهت تکامل وجودی انسان در پرتو فطرت و عقل تکوینی معنایی تازه می‌یابد، در امور خیر و صدقات جاریه‌ای چون عمل وقف نمود بارزی دارد. این فعل اخلاقی در بستری از علم و آگاهی صورت می‌گیرد از همین روست که علامه دوانی یکی از مبانی اخلاق را حکمت و آگاهی انسان می‌داند. با علم و حکمت است که فرد فضایل و کمالات اخلاقی را می‌شناسد و آن را در زندگی به کار می‌بندد، فرد نادان و فاقد علم و آگاهی هیچ شناختی از فضایل و رذایل ندارد یا ممکن است معرفتی ناقص و مبهم نسبت به آنها داشته باشد وی فرد نادان را اینگونه توصیف می‌کند: «از معرفت فضایل و رذایل غافل، و از

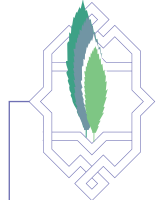


تصرف قوا در غیر مقتضای فطرت از صوب صواب انجام تحصیل کمال که از خصیصه نوع اوست منحرف و متمایل» (دوانی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). حال با توجه به اینکه ایصال به فضایل در پرتو علم و آگاهی صورت می‌گیرد، فرد واقف از طریق بذل مال خود زمینه رشد فضایل اخلاقی را در خود فراهم می‌آورد که در زیر به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. آرامش روانی:

وقف کردن عملی است که اگر با انگیزه خدایی صورت گیرد، تأثیر فراوانی بر فرد می‌گذارد. آرامش روحی از کمک به دیگران، نتیجه نوعی اراده به گسستن از امور مادی است. وقتی انسان از آنچه که فکر می‌کند مال اوست و به آن نیاز دارد، به دیگری که نیازمند آن است ببخشد، نوعی گذشتن از خود خواهی محسوب می‌گردد. این حالت آدمی را از امور مادی به امور معنوی کشانده سبب می‌گردد روح و روان او تطهیر و آرامش یابد. این ویژگی در آیه ۹۲ آل عمران (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) نیز با تعبیر «تنالوا البر» ستوده شده است که خود منشأ کاربست‌های اخلاقی دیگری است. این آرامش روانی، امری اکتسابی است که در پرتو شناخت انسان به خود و جایگاه وی در نظام هستی صورت می‌پذیرد. علامه دوانی فرایند کسب فضایل را با نظر به توجه انسان به خود در عالم هستی و ارتباط او با طبیعت و جامعه تبیین می‌کند. ایشان انسان را مرکب از بُعد حیوانی و الهی می‌داند که بُعد الهی آن آمیخته با عشق و شوق است و حقیقت این عشق میل به اتحاد دارد (دوانی، ۱۳۶۸: ۳۳). بُعد حیوانی و طبیعی او نفع طلبی است و میل به رذایل اخلاقی دارد، اما بعد الهی و روحانی او با کسب کمالات و فضایل نیز قابلیت الهی شدن را دارد. در مورد نفس ناطقه و کیفیت کمال این نفس دوانی معتقد است که اگر در میان قوای سه‌گانه بدن اعتدال و هماهنگی باشد شوق به کسب فضایل و معارف یقینی در او ایجاد می‌شود و از طرفی زمانی که این شوق حاصل شود، تلاش برای کسب علم و دانش صورت می‌گیرد و به دنبال آن فرد دارای علم و حکمت می‌شود. نفس ناطقه با آراستن به فضایل روحانی و تضعیف برخی قوای بدنی و نیارهای مادی به عالم قدس و ملکوتی و کسب معارف و علوم نائل می‌شود.

دوانی معتقد است نفس ناطقه انسان نوری از انوار الهی است و زمانی که نفس ناطقه از بدن رهایی یافت و با جوار قدس الهی محشور می‌شود انسان با ماهیت دوگانه حیوانی - الهی قابلیت قرار گرفتن در جوار الهی را دارد. در نظام اخلاقی دوانی انسان گزیده



و مختصری از ام‌الکتاب که عبارت از حضرت احدیت الهی است و در رباعیات خود و در زبان عرفا انسان را کون جامع و مجموعه خلقت و گزیده دو عالم می‌داند. دل مؤمن عرش الهی است و محل صدور فیض الهی برای کائنات انسان است زیرا بر اساس قاعده امکان اشرف فیض حق از رهگذر انسان به سایر مخلوقات می‌رسد (دوانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳-۱۲۴).

انسان بر اثر کسب کمالات فیض و امور معنوی و اخلاقی به مرتبه اشرف مخلوقات نائل می‌شود و با داشتن این مکارم انسان کامل محیط بر عوالم ملک و ملکوت خواهد شد. نفس انسانی دارای سه قوت است که به اعتبار این قوا آثار مختلف و متفاوتی از انسان صادر می‌شود و زمانی که یکی از این قوا بر دیگری غلبه یابد قوای دیگر مقهور و مفقود می‌شود این قوا شامل: نفس ناطقه یا نفس مطمئنه، مبدأ تفکر و تمییز انسان؛ قوه غضبی یا لوامه، مبدأ غضب و دلیری و شوق با تسلط؛ قوه شهوی یا اماره، مبدأ شهوت و شوق به لذتها در انسان (دوانی، ۱۳۹۱: ۷) دوانی اعتدال در میان این قوا را موجب شوق به اکتساب معارف و علم می‌داند انسان با توجه به ماهیت حیوانی و الهی، باید از هواهای نفسانی خویش بگذرد تا به تفکر درباره حقیقت نفس خویش به خداشناسی و معرفت کامل دست یابد. در انسان سه قوه ناطقه و غضب و شهوت باعث صدور آثار و افعال مختلفی می‌شود و زمانی که میان این قوا اعتدال باشد اشتیاق جهت کسب معارف در فرد ایجاد می‌شود و حکمت در او پدید می‌آید.

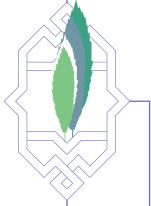
مطابق آیه «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۶۵) زمانی که فرد انفاق خود را با نیت خالص انجام می‌دهد و به نوعی فضایل اخلاقی را در خود رشد می‌دهد در حقیقت اضطراب ناشی از احساس مسئولیت خود در برابر نیازمندان جامعه را پایان می‌بخشد این امر منجر به ایجاد حس آرامش در درون فرد می‌شود که در سطح بالاتر می‌توان گفت فرد انفاق کننده با در اختیار گرفتن نفس خود (از طریق تعدیل قوا) هم فاعل تثبیت و هم مفعول آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۹۹). این همان «تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» است که در نظام اخلاقی علامه دوانی نفس ناطقه با آراستن به فضایل روحانی و تضعیف برخی قوای بدنی و نیارهای مادی به عالم قدس و ملکوتی و کسب معارف و علوم بدان نائل می‌شود.

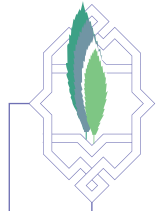
۲. جلب محبت و قرب الهی:

یکی از آثار آرامش روحی و روانی ناشی از بذل مال و انفاق، جلب محبت الهی است. زمانی که انسان از اموال مادی خود دل بر می‌کند و با تقدیم آن‌ها به ساحت ربوبی زمینه خلوص جان و تصفیه درون از علائق دنیوی را فراهم می‌سازد در نتیجه آن موجبات تقرب الی الله را برای خود فراهم ساخته که پاداشی بس بزرگ است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: چیزی را که مایه تقرب تو به خداوند عزوجل می‌شود کوچک نشمار اگر چه بخشش نصف خرمایی باشد (کافی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: انسان سخاوتمند به خدا و به مردم به بهشت نزدیکتر است (کلینی، ۱۴۰۰: ۸۳). در نظام اخلاقی علامه دوانی محبت خداوند، جزو مبانی مهمی است که از دید وی مغفول نمانده است. دوانی در تقسیم‌بندی محبت بیان می‌کند که محبت مراتبی دارد. بالاترین آن محبت خداوند که منبع تمام خیرات و کمالات زندگی بشر است و این محبت برای انسان عارف که دارای معرفت و علم است حاصل می‌شود: «محبت الله تعالی منبع خیرات و کمالات است و حقیقت آن را جز عارف ربانی را به قدر امکان... حاصل نشود» (دوانی، ۱۳۹۱: ۲۳۵). هر جا کمالی هست از خداست به تعبیری خداوند منبع خیرات و نعمت‌هاست. اگر معرفت انسان به جایی برسد که جز خدا کسی را وجود مستقل و کامل نداند و اینکه هیچ موجودی استقلالی از خود ندارد هر چه داریم از جانب خداست آن وقت به این نتیجه می‌رسیم که جز خدا کسی شایسته دوست داشتن نیست، در نتیجه چنین معرفتی انسان اعمالی را انجام می‌دهد که مورد رضایت خداست این محبت و علاقه زمینه ساز گرایش به سمت فضایل و دوری از رذایل اخلاقی می‌شود. با نظر به اینکه یکی از شرایط وقف، قصد قربت است انجام این فعل، از روی محبت ناشی از علم و آگاهی به درگاه ربوبی، مقرب انسان بوده و مطابق آیات الهی (توبه/۹۹) مصداقی از «قربان عندالله» است که انفاق کننده و صدقه دهنده با انفاقی که می‌کند و صدقه‌ای که می‌دهد وسیله‌ای برای قرب به خدا و رحمت الهی ایجاد می‌کند.

۳. الفت بخشی به نفوس: ۱

نسان موجودی اجتماعی است و چنین خصیصه‌ای ریشه در تکوین الهی دارد که انسان‌ها با استعدادها و ظرفیت‌های متفاوتی خلق شده‌اند تا در سیر حرکت خود به سمت کمال، به یکدیگر وابسته باشند. چنانچه خداوند متعال به این امر در آیه «أَهُمْ يَفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ





نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتًا رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف/۳۲) اشاره کرده است. تفاوت افراد موجب
می‌شود تا انسان‌ها هم به خدمت گیرنده باشند و هم به خدمت گرفته شده و این امر مایه
قوام جامعه انسانی و انسجام میان افراد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۴۸).

انسان واقف با گذشتن از دارایی خود و توجه به نیازهای افراد محروم جامعه، اولین
گام جهت سیر به سمت کمال را با تألیف میان افراد جامعه بر می‌دارد. اجتماع و تألف
میان افراد جامعه، از جمله مبانی اخلاق دینی علامه دوانی است است. انس و الفت
امری طبیعی و از خواص انسانی است و انسان موجودی مدنی بالطبع و تمایل به زندگی
اجتماعی و انس با همنوعان است. ایشان منشاء روی آوردن انسان به تشکیل اجتماع و
زیست جمعی را وجود انس و الفت طبیعی در نهاد و فطرت انسان می‌داند (دوانی، ۱۳۹۱:
۲۳۰) کمال و فضایل انسان در اجتماع ظهور و بروز می‌کند. افراد جامعه در بقای شخص
خود به همکاری و همیاری و خدمت به یکدیگر احتیاج دارند تا نیازهای مادی و غیر مادی
خود را با کمک و یاری دیگر افراد جامعه تأمین کنند. هدف افراد مدینه تلاش جهت
فراهم کردن خیرات و از بین بردن شرور است و در نتیجه وجود چنین اجتماعی و همکاری
و دوستی و محبت افراد انواع فضایل امنیت، عدل، عفت، وفا، لطف بروز و ظهور می‌کند.
بنابراین وقف، روحیه خدمت رسانی، ایثار، دیگرخواهی، نوع دوستی و محبت به دیگران
را تقویت می‌کند. وقتی واقف بخشی از اموال یا املاکش را وقف می‌کند تا بهره مندان
از موقوفه که بیشترشان تهیدستان، درماندگان و نیازمندان هستند، از منافعی استفاده کنند،
به گونه‌ای، به آنان محبت کرده و دوستی خود را به آنان ابراز داشته است. این بخشش
واقف، نشان می‌دهد او فراتر از خود را نیز نگریده و به فکر دیگران و یاری آنان بوده
است. با وقف، این روحیه نوع دوستی، بیش از پیش جلوه می‌کند و شدت می‌یابد.

از نظر علامه دوانی منشأ این گونه امور خیر در افراد بدین نحو است که برخی از
مردم خودشان به صورت فطری دارای طهارت قلبی و نجابت فطری‌اند این شامل ابرار و
انبیاء الهی است اینها بر اساس طهارت و نجابت ذاتی خود گرایش به سوی فضایل دارند.
گروه دوم منشاء فضایل و دوری از رذایل در آنها اندیشه و تأمل در عاقبت کارهاست، گروه
سوم با وعده و عیدهایی که از سوی شریعت و شارع به آنها داده می‌شود از رذایل دوری
و به سوی کسب فضایل گرایش دارند: به تعبیر خود علامه «بعضی به نجابت فطری و
طهارت اصلی از ملکات ردیه مجتنب‌اند... بعضی به فکر و رویت به ردائت رذایل مطلع

شوند... بعضی به وعید و تهدید و خوف عذاب از شرور احتراز کنند.» (دوانی، ۱۳۹۱: ۲۴۲) به عبارتی با این تقسیم‌بندی دوانی مبنای کسب فضایل و دوری از رذایل را فطرت و سرشت، طبیعت فرد یا تعلیم و راهنمایی شرع و شارع می‌داند.

۵. تقویت آخرت باوری:

یکی از مبانی دیگر اخلاق از نظر علامه دوانی، ایمان و عبادت است، ایشان اجناس عدالت را دوازده مورد بیان می‌کند، دوازدهمین را عبادت می‌داند. به تعبیری عبادت «تعظیم مبدأ حقیقی، که او را از کتم عدم به محض وجود و کرم، بی‌سابقه استحقاقی به مشهود وجود آورده ... و انقیاد احکام شریعت و التزام وظایف رسوم ملت، بلکه گرداند» (دوانی، ۱۳۹۱: ۹۲). انسان زمانی که به خداوند ایمان و اعتقاد داشته باشد این ایمان به مبدأ هستی زمینه ساز انجام فضایل و اعمال نیک است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که از رذایل و آلودگی‌های اخلاقی دوری کند و به انجام فضایل مبادرت ورزد چون خداوند را همه جا ناظر بر اعمال خود می‌داند. انفاق در پی دستور الهی مبنی بر بذل از دارایی‌ها، از جمله فضایل اخلاقی است که با ایمان راسخ به مبدأ محقق می‌شود از همین روست که خداوند وعده پاداش اخروی بر آن قرار داده است: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۲) بدین معنی که خداند به شخص انفاق کننده اطمینان می‌دهد که اگر از مال خود به طور کامل انفاق نماید در روزی که بدان سخت نیازمند است، بهره خواهد برد. مطابق این بیان الهی، این وعده هم شامل پاداش اخروی است و هم می‌تواند سودمندی مادی برای انفاق کننده در پی داشته باشد. زیرا فرد انفاق کننده از یک سو با بذل خود، روحیه گذشت و نوع دوستی را در خود تقویت می‌کند که از جمله فضایل اخلاقی است که بدون ایمان و تعظیم و عبادت الهی امکان پذیر نیست و از سویی دیگر با دستگیری از محرومان جامعه، در سلامت اقتصادی و امنیتی جامعه سهیم خواهد بود که نتیجه آن به فرد انفاق کنند هم می‌رسد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۴۹). آنچه قابل تأمل است اینکه این نوع نگاه به صدقات در صورتی به تقویت معادباوری می‌انجامد که فرد انفاق کننده، با اعتقاد به مبدأ درصد ایصال به کمال، بستر رشد فضایل اخلاقی را در خود ایجاد کند. چنانچه در روایات نیز انفاق افراد را مستلزم اجر اخروی دانسته است که اگر فرد این بعد را باور نداشته باشد،



بذل و بخشش او ثمره معادباوری نخواهد داشت: امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «مرد پس از مرگش اجر و پاداشی پشت سر ندارد، مگر به سه خصلت: صدقه‌ای که در زمان زندگی‌اش به راه انداخته است که پس از مرگش جاری باشد و روش هدایتی که او آن را سنت کرده باشد و پس از مرگش بدان عمل شود و فرزند صالحی که برایش دعا کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷: ۷۶).

۶. ارضای حس جاودانگی:

یکی از آثار وقف، برخورداری از حس جاودانگی برای واقف است. انسان به نحوی آفریده شده است که این میل در او در طول تاریخ وجود داشته است هرچند کیفیت آن از نظر شدت و ضعف متفاوت بوده و امری اکتسابی نیست. لذا می‌توان گفت این میل امری فطری است و خداوند آن را در انسان تعبیه کرده است (میرداماد، ۱۳۹۴، ج ۷: ۴۶). قرآن در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبَدَىٰ لَهُم» (رعد/۲۹) به عاقبت کسانی اشاره می‌کند که با ایمان و عمل صالح، در پرتو یاد خداوند، اطمینان قلبی رسیده‌اند لذا خداوند آنان را به زندگی طیب مزده داده است. منظور از «طوبی» در این آیه ظاهر زندگی پاکیزه این دنیا و منظور از «حسن مآب» پاداش بهشتی است. مطابق چنین آیه‌ای می‌توان آیه ۹۱ سوره نحل را هم مثال زد آنجا که خداوند با تقدم «طوبی» بر «لهم» آنچه را که مایه تهنیت است را از باب عجله زودتر به زبان می‌آورند تا شنونده به همین مقدار هم که شده زودتر خرسند شود (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۴۳). حال با نظر به اینکه در روایات هم بهترین مال را آن مالی دانسته است که برای انسان نام نیک برجای نهد و سپاس و پاداش را به ارمغان آورد (لیثی واسطی، ۱۴۳۲: ۱۵۲).

۷. تصعید درونی خود:

پرداخت زکات و صدقه در پاکی و تزکیه باطنی مؤمنان و آمرزش گناهان آنان مؤثر است انفاق‌های مالی از جمله وقف برای انسان همچون هرس کردن درخت است و انسان را در رسیدن به هدف اصلی خویش که همان نزدیکی به خداوند متعال است یاری می‌دهد. انجام وظایف مالی در اسلام، مانند خمس، زکات و صدقه موجب پاکیزگی زندگی است. زندگی پاکیزه که قرآن کریم از آن به «حیات طیبه» رهاورد ایمان و عمل صالح است. بنابراین وقف که از مصداق پرداخت صدقه است، از یک سو ایجاد زندگی پاکیزه مؤثر است و از سویی دیگر به دنبال دل‌کندن از سرمایه در راه خدا، تزکیه نفس را در پی دارد

(جواد ملایی پور قرجه داغی، ۱۳۸۴: ۵۲).

مطابق آیات الهی «خَذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳) از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه نشان‌سازی همچنین در آیه «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره/ ۲۷۱) آمده است اگر صدقه‌های آشکار کنید این کار خوبی است و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید این برای شما بهتر است و بخشی از گناهانتان را می‌زداید و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. همچنین با نظر به اینکه مهمترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی است یکی از بارزترین مصداق تزکیه، همانا صدقه دادن است و کاملترین مصداق آن، وقف بوده که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود و هیچ صدقه‌ای چون وقف چنین مزیت جاودانه را واجد نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۶).

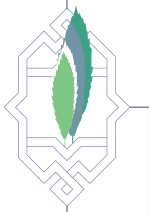
دست یابی به تزکیه نفس و به تعبیری بهتر تصعید درونی خود از دیدگاه علامه دوانی در پرتو علم و عمل امکان پذیر است. انسان بدون علم و عمل از هر موجود دیگر پست‌تر و فرومایه‌تر به شمار می‌آید و با علم و عمل می‌تواند به مقام اشرف مخلوقات نائل شود. دوانی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم بالاترین مرحله کمال انسان را خلافت حق تعالی بر روی زمین می‌داند و رسیدن به این مقام با علم حاصل می‌شود. تحقق خلافت انسان «به تحصیل علم و عمل مربوط است، پس علمی که کافی تحقیق کیفیت و رسوم طریق تحصیل معارف عظاما باشد، اهم علوم و انفع آن تواند بود» (دوانی، ۱۳۹۱: ۶۳). بدون عمل و تنها با علم، انسان آراسته به اخلاق الهی نمی‌شود و حتی به کمال هم نخواهد رسید، دوانی به حدیثی از پیامبر اشاره می‌کند که: «الْعِلْمُ بِدُونِ الْعَمَلِ وَبِالْأَعْمَلِ بِدُونِ الْعِلْمِ ضَلَالٌ» (همان: ۶۰) برای علم و آگاهی اهمیت زیادی قائل است و اینکه تصفیه نفس به تنهایی در زندگی کافی نیست انسان باید از علوم و معارف زمان خود تا جایی که برایش میسر است آگاهی داشته باشد؛ زیرا هیچ چیزی مانند جهل و نادانی انسان را به دو راهی و بدی‌ها نمی‌کشاند باید هر دو باشند علم و عمل. این دو مکمل‌اند و انسان برای اینکه به کمالات و فضایل اخلاقی آراسته شود و برای شناختن اعتدال و رسیدن به کمال حقیقی، هم علم و آگاهی ضروریت دارد هم عمل. شخص واقف، با علم به کار نیک خود و فضیلت بودن آن، از طریق بذل بخشی از دارایی خود، زمینه قرار گرفتن در مسیر حیات طیبه را برای نفس خود فراهم می‌کند. با نظر به این اتفاق کمال اخلاقی برای



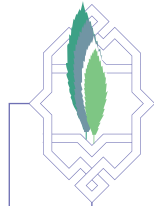
انسان محسوب می‌شود صرفاً در پرتو تلفیق علم به فضیلت بودن آن و اقدام خالصانه به سمت امر خیر صورت پذیر است به تعبیری برای اینکه انفاق و صدقات بتواند ابزاری برای تهذیب نفس و تصعید نفس انسان باشد توأمان بودن علم و عمل را لازم دارد چنانچه علامه دوانی نیز در نظام اخلاقی خود معتقد است که انسان بدون همراهی علم و عمل به کمال نخواهد رسید.

۸. مبارزه با وسوسه‌های درونی:

یکی از کاربردهای اخلاقی وقف این است که فرد واقف بر اثر معادباوری خود، حیات واقعی خود را در این عالم جستجو نمی‌کند و خود را محدود به همین زندگی محدود نمی‌داند. بذل واقف، موجب می‌شود که وجود وی را به نحوی دگرگون کند که مستعد دریافت‌های معنوی شود که بالتبع او را از رذایل اخلاق یدور می‌کند به تعبیری دیگر می‌توان گفت عمل او، نوعی مبارزه با وسوسه‌های درونی و رذایل اخلاقی است. مطابق اندیشه اخلاقی علامه دوانی زمانی فرد می‌تواند به این سطح از رشد و کمال اخلاقی برسد که در پرتو عقل، تمام قوا مطیع و منقاد او شوند (دوانی، ۱۳۹۱: ۹۷) عقل مدار تدبیرات و آیینه کمالات و تقایص است. در اندیشه و آثار دوانی عقل نقش نخستین را ایفا می‌کند، دوانی آن جا که ملاک فضیلت را عقل می‌داند به گونه‌ای که همه قوا مطیع و منقاد عقل باشند شجاع را کسی می‌داند که افعال شجاعت به مقتضای عقل و به حکم عقل از او صادر شود «عفت، شجاعت، سخاوت، به کمال حاصل نشود الا حکیم را» (همان: ۹۹) او این سه فضایل را از عدالت جدا کرده و این سه فقط در شخص حکیم تحقق می‌داند و عادل کسی است که بتواند در قوای درونی خویش تعدیل ایجاد کند و همه افعال و کردارش بر اساس حکم عقل و خرد صورت پذیرد، دوانی در اخلاق جلالی بیان می‌کند که قوت ناطقه وجه ممیزه و تمیز افعال انسان است و بعد از استکمال سایر قوای بدن مانند قوت طلب غذا، قوه غضب... قوه نفس ناطقه ظاهر می‌شود و آثار این قوه تفرقه میان نیک و بد، جمیل و قبیح است و این قوت نیز باید به تدریج در مدارج کمال متری می‌باشد. به مدد عقل انسان خوب و بد امور را تشخیص می‌دهد و با تشخیص زشتی امور از آنان دوری کرده و به سمت فضایل و خوبی‌ها گرایش می‌یابد. دوانی در جایی دیگر اصل و مبنای همه خیرات و فضایل را عزم و اراده می‌داند، انسان با رأی و نظر درست و ثبات عقیده قادر به انجام فضایل و خیرات بسیاری است «قوت



عزیمت، آن را به رأی صواب و قوت ثبات حاصل شود... اصل در اکتساب همه خیرات و فضایل همین است» (دوانی، ۱۳۹۱: ۲۵۴) اراده، نیرویی است که در شکوفایی استعداد های انسان نقش بنیادین دارد خداوند متعال این نیرو را برای بهره مندی از امکانات، در اختیار بشر قرار داده به واسطه‌ی استفاده صحیح از این نعمت بزرگ الهی، قدر و منزلت انسان محفوظ می‌ماند، اراده در سیر و سلوک اخلاقی نقش مهمی دارد **انسان بدون اراده، نمی‌تواند با رذایل اخلاقی مبارزه کند، با اراده، انسان شایستگی آراسته شدن به فضایل اخلاقی را به دست خواهد آورد.** حال با نظر به این رای علامه دوانی، فرد واقف با توجه به ظرفیت و سعه وجودی‌اش، با انجام فعل خیر، جان خود را از وابستگی‌های رهایی می‌دهد. و تزکیه و وارستگی در پرتو عزم و اراده و تبعیت همه قوای درونی انسان از قوه عقل، به سمت فضایل اخلاقی گام بر می‌دارد.



نتیجه گیری

نظریه اخلاق دوانی مبتنی بر جایگاهی است که انسان در نظام خلقت و جهان دارد و این جایگاه از طرف خداوند به انسان داده شده به گونه‌ای که انسان خلیفه خدا در زمین است، انسان موجودی مسئول و مختار است و دارای قوا و غرایز متضادی از قبیل غضبی - شهوی - عقلی... او باید میان این غرایز اعتدال برقرار کند و ایجاد اعتدل یعنی تابع عقل بودن غرایز و امیال او. به عقیده دوانی انسان به کمک نیروی عقل خود می‌تواند صورت اخلاق و فضایل را تشخیص دهد ولی قوانین و اصول این اخلاقیات و فضایل از قانون الهی نشات می‌گیرد که از طریق وحی و شریعت الهی در اختیار انسان خلیفه الله قرار گرفته است و نایب و جانشین خدا که دوانی آن را پادشاه می‌داند از تاییدات الهی برخوردار است.

همچنین در اندیشه اخلاقی علامه دوانی، اخلاق مقدم بر همه دانش‌ها، با اراده و اختیار از فرد صادر می‌شود. در صورتی انسان می‌تواند به سمت فضایل کام بردارد که بتواند اعتدال را در خود ایجاد کند زیرا از نظر علامه رذیلت اخلاقی چیزی نیست جز خارج شدن از حد اعتدال. هر چند علامه دوانی اعتدال را به علم پیوند می‌زند ولی صرف داشتن علم و معرفت برای بقا بر مسیر اعتدال کفایت نمی‌کند بلکه محیط نشو انسان نیز در این فرایند دخیل است. یکی از راه‌های مقابله با امراض نفسانی تکرار افعال خیر و نیکو در نفس است. صدقات و انفاق در معنای اعم و وقف به معنای اخص، مصداقی از فعل اخلاقی است که در بستر یاز علم و آگاهی، زمینه‌ساز ایصال انسان به کمال نهایی است که در اندیشه علامه این کمال همان رسیدن به مقام الهی و قرب حق است. هر چند ایشان این مرتبه را ویژه انسان کامل می‌دانند ولی انسان با وقف کردن، گسستن از امور مادی را با تکیه بر عزم اراده خود تجربه می‌کند که ضمن در پی داشتن آرامش درونی، موجبات تقرب و تجلی محیت الهی و در یک پیوستار وسیع‌تر موجب تألیف نفوس انسانهای دیگر را فراهم می‌کند. بدین معنی که بذل و بخشش انسان ضمن تهذیب نفس و تصعید درونی، می‌تواند قوام و انسجام جامعه را در پی داشته باشد. این کار بست از نظر علامه دوانی اینگونه قابل تبیین است که ایشان معتقدند بستر جامعه محل ظهور کمال و فضایل اخلاقی است و افراد مدینه همه تلاششان فراهم آوردن زمینه خیرات و دفع شرور است. فرد واقف نیز با فعل اخلاقی خود، در بستر اجتماع سوق دهنده نفوس به

سمت فضایل اخلاقی است.

همچنین طبق آرای اخلاقی علامه دوانی، انسان با ایمان به مبدأ و عبادت، زمینه روی آوری به سمت فضایل اخلاقی و اعمال حسنه را در خود ایجاد می‌کند. وقف و صدقات که مصداقی از فعل اخلاقی نیکوست، ضمن تقویت معادباوری فرد انفاق کننده، این اطمینان را به فرد می‌دهد که نتیجه این فعل اخلاقی، علاوه بر حیات دنیوی در آخرت نیز بدو خواهد رسید؛ ولی ایصال بدان در پرتو ایمان و عبادت است.

تضعید خود و مبارزه با وسوسه‌ها از دیگر کاربردهای اخلاقی است که می‌توان آن را به نوعی پیامد معادباوری نیز دانست که واقف، حیات اصیل خود را در این عالم جستجو نمی‌کند؛ از این رو، بذل دارایی‌ها او را مستعد دریافت‌های روحانی می‌کند که در نتیجه آن، از رذایل دور و به سوی افعال نیک و فضایل سوق پیدا می‌کند. مطابق اندیشه اخلاقی علامه دوانی زمانی فرد می‌تواند به این سطح از رشد و کمال اخلاقی برسد که در پرتو عقل، تمام قوا مطیع و منقاد او شوند و بتواند با عزم و اراده به انجام فضایل و خیرات بپردازد.



کتابنامه

- ۰ ایرانمنش، محمد علی، هزارجریبی، (۱۳۹۵)، رابطه وقف و اخلاق در اقتصاد از دیدگاه شهید مطهری و شهید صدر، *اولین کنفرانس ملی علوم انسانی و وقف*، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خوزستان.
- ۰ آسیابانی، محمد رضا، (۱۳۹۹)، *ماهیت وقف و آثار آن در روایات تفسیری فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.*
- ۰ بابایی، رضا، (۱۳۸۹)، وقف از نگاه اخلاق و عرفان، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۱، ص ۴۹-۶۲.
- ۰ تامسون، جل، (۱۳۹۴)، *علم اخلاق*، ترجمه مسعود قاسمیان، تهران: فرهنگ جاوید.
- ۰ جواد ملایی پور قرجه داعی، (۱۳۸۴)، *وقف سرمایه ماندگار*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- ۰ جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۲)، *دین‌شناسی*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۰ _____، (۱۳۹۸)، وقف نامه ملک علامه جوادی آملی، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، پیاپی ۱۰۶.
- ۰ دوانی و خواجهی اصفهانی، جلال الدین محمد و ملا اسماعیل، ۱۳۸۱، *سبع الرسائل*، تحقیق و تعلیق سید احمد تویسرکانی، تهران: میراث مکتوب.
- ۰ دوانی، جلال الدین محمد (۱۳۶۴)، *الرسائل مختاره*، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المومنین علی علیه السلام.
- ۰ _____، (۱۳۶۸)، *شرح رباعیات فلسفی و عرفانی*، تصحیح و شرح و نقد دکتر مهدی دهباشی، بی‌جا، مسعود.
- ۰ _____، (۱۳۷۳)، *تهلیلیه*، تصحیح و شرح فرشته فریدونی فروزنده، تهران: کیهان.
- ۰ _____، (۱۳۹۱)، *لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق (اخلاق جلالی)*، تهران: اطلاعات.
- ۰ _____، (۱۴۱۱)، *سبع الرسائل*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۰ دوانی، علی، (۱۳۶۴)، *مفاخر اسلام*، تهران: امیر کبیر.
- ۰ دوانی، علی، (بی‌تا)، *شرح زندگانی جلال الدین دوانی*، قم: حکمت.
- ۰ طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسسی حوزه علمیه قم.
- ۰ طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۸، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسسی حوزه علمیه قم.
- ۰ قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسیر اسن الحدیث*، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر ایران.
- ۰ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، *الکافی*، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۰ _____، (۱۴۰۰)، *مصباح الشریعه*، منسوب به امام جعفر بن محمد (امام جعفر صادق علیه السلام)، چاپ اول، بیروت: اعلی.
- ۰ لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۴۳۲ ق)، *عیون الحکم و المواعظ*، چاپ اول، تهران: بعثت.
- ۰ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۲، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۰ میرداماد، محمد باقر بن محمد، (۱۳۹۴)، *قبسات*، ترجمه ناصر جهان شاه، چاپ اول، تهران: انتشارات ابصار.